

بررسی علل عدم موفقیت عملیات کربلای ۴*

دکتر سیدمجید جدی**

حسن فرقانی

تاریخ دریافت مقاله : ۸۳/۵/۱۵

تاریخ تأیید مقاله : ۸۳/۷/۱۲

صفحات مقاله : ۱۰۱-۱۱۲

چکیده

عملیات کربلای ۴ از جمله عملیاتهای گسترده دوران جنگ تحمیلی بوده است که توسط نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۵ و در منطقه عمومی خرمشهر به اجرا درآمد ولیکن نتوانست به اهداف خود دست یافته و در مدت زمان بسیار کوتاهی به پایان رسید و از این نظر تنها عملیات گسترده‌ای است که به سرعت پایان یافته و دستاورد آن ایفای نقش عملیات فریب در اجرای عملیات بعدی (کربلای ۵) می‌گردد. علل عدم موفقیت این عملیات موضوعی است که این مقاله به آن پرداخته است اما در میان سلسله عوامل مؤثر بر عدم موفقیت این عملیات که در سطوح تاکتیکی، عملیاتی و استراتژیک می‌توانند مورد توجه قرار گیرند، دو عامل عدم رعایت اصل غافلگیری و نامناسب بودن وضعیت زمین محور اصلی تحلیل قرار داشته که با استفاده از تحلیلهای صورت گرفته و نتایج پایان‌نامه "بررسی علل عدم موفقیت عملیات کربلای ۴ در مقایسه با عملیات والفجر ۸" مشخص می‌گردد که عدم رعایت اصل غافلگیری و نامناسب بودن وضعیت زمین منطقه در تأمین نیازهای عبور از رودخانه اروند از جمله عوامل مؤثر در عدم موفقیت این عملیات بوده‌اند.

* * * * *

کلید واژگان

جنگ تحمیلی، غافلگیری، فریب تاکتیکی، سرعت عمل.

* مقاله حاضر برگرفته از یافته‌های پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات دفاعی استراتژیک، با عنوان "بررسی علل عدم موفقیت عملیات کربلای ۴ در مقایسه با عملیات والفجر ۸" می‌باشد که توسط حسن فرقانی و به راهنمایی دکتر سیدمجید جدی نوشته شده است.

** E_mail : sa2002nad@yahoo.com/

مقدمه

جنگ منازعه‌ای خشونت‌بار است که با پیشرفت تکنولوژی، شیوه‌های آن نیز به مرور زمان پیچیده گردیده و به علت پیوند بقا هر نظام سیاسی و موجودیت ملتها با آن، مهمترین جایگاه را در برنامه‌ریزی کشورها پیدا نموده است. منطق حکومت‌داری ایجاب می‌نماید که تمامی دولتها بخصوص آنانی که بیشتر در معرض تهاجمات خارجی قرار دارند، همواره آمادگی لازم برای مقابله با این تهدیدات و دستیابی به پیروزی در صورت وقوع جنگ را کسب نمایند که در این مسیر آموزش مبتنی بر تجارب می‌تواند بسیار مؤثر باشد بخصوص اگر از تجارب نبردهای گذشته در ارتقای توان رزم استفاده گردد. باید توجه داشت تجارب نبردهای گذشته تنها در صحنه موفقیت‌های نظامی حاصل نشده و چه بسا درس‌های حاصل از عدم موفقیتها به مراتب در ایجاد آمادگی دفاعی مفیدتر واقع گردند. دوران دفاع مقدس می‌تواند منبع بسیار با ارزشی در افزایش کارایی رزمی نیروهای مسلح محسوب گردد زیرا دربرگیرنده تعداد کثیری عملیاتهای گسترده می‌باشد که برخی با موفقیت و برخی با عدم موفقیت همراه بوده‌اند. در این میان می‌توان به عملیات کربلای ۴ اشاره نمود که علی‌رغم، عدم موفقیت تجارب ارزنده‌ای را می‌توان از آن کسب نمود.

یک سال پس از عملیات موفقیت‌آمیز والفجر ۸ در منطقه عمومی فاو و در پی تلاشهای فراوان در ایجاد آمادگی، عملیات کربلای ۴ در منطقه جنوب خرمشهر آغاز گردید اما برخلاف انتظار، خاتمه عملیات در ساعتهای اولیه اعلام و با توجه به منابع بسیج شده، تلاش برای عملیات کربلای ۵، در یکی از سخت‌ترین مناطق عملیاتی از نظر استحکامات و موانع یعنی محور شلمچه آغاز گردید. بدیهی است در صورتی که عملیات کربلای ۴ می‌توانست به اهداف موردنظر دست یافته و یا آنکه در این عملیات بخشی از انتظارات تأمین می‌گردید، ضرورتی به انجام عملیات کربلای ۵ در این حجم گسترده نیرویی نبوده است. در نتیجه این سؤال را می‌توان مطرح نمود که «چه عواملی در عدم موفقیت عملیات کربلای ۴ مؤثر بوده‌اند؟»

اما از آنجا که عوامل مختلفی را می‌توان مورد توجه قرار داد به لحاظ تحدید موضوع و امکان تجزیه و تحلیل، از دو فرضیه استفاده شده است که عبارت‌اند از:
الف - عدم رعایت اصل غافلگیری و فریب دشمن از عوامل مؤثر در عدم موفقیت عملیات کربلای ۴ بوده‌اند.

ب - وضعیت نامناسب زمین منطقه یکی از عوامل مؤثر در عدم موفقیت عملیات کربلای ۴ بوده است.

به منظور ارزیابی فرضیات در راستای سؤال بیان شده سعی می‌گردد ادبیات این بحث با توجه به ویژگیهای منطقه عملیاتی کربلای ۴ و اهداف آن بیان گردد، و سپس به بررسی هریک از عوامل فوق‌الذکر در این عملیات پرداخته شود.

اهداف عملیاتی کربلای ۴

در ابعاد نظامی شاید به جرأت بتوان گفت مهمترین دلیل انتخاب منطقه عملیاتی کربلای ۴، تکمیل اهداف عملیاتی والفجر ۸ در منطقه عمومی فاو بوده است. اهمیت منطقه عملیاتی والفجر ۸ در تأثیر بر امنیت خلیج فارس و پایان بخشیدن به جنگ (محسن رشید، ۱۳۷۹، ۱۲۱) ایجاب می‌نمود فرماندهان نظامی مترصد حملات ارتش عراق در بازپس‌گیری این منطقه استراتژیک باشند. وضعیت جغرافیایی منطقه فاو بویژه وضعیت رودخانه اروند در تفکیک سرزمینی و محدودیت فضای مانوری ضرورت ادامه عملیات و تکمیل اهداف در این منطقه را برای دستیابی به پدافندی قابل اعتماد ایجاب می‌نمود.

علاوه بر دلیل فوق، ایجاد جناح جدید در تهدید شهر بصره نیز می‌توانست دلیلی دیگر بر اجرای این عملیات محسوب گردد. از آنجا که شهر بصره مهمترین هدف نظامی در منطقه جنوب محسوب گشته و می‌توانست در سرنوشت جنگ تأثیر بسزایی داشته باشد و از طرف دیگر توسط اقدامات ارتش عراق در عملیاتهای گذشته، کلیه معابر وصولی خصوصاً محور شلمچه با استفاده از استحکامات و موانع متعدد مصنوعی، عملاً غیرقابل نفوذ شده بود در نتیجه ایجاد محوری جدید می‌توانست ارتش عراق در دفاع از این هدف استراتژیک را با مشکلات مهمی مواجه سازد. محسن رضایی در خصوص این موضوع این‌گونه بیان می‌نماید:

«اگر هدف بصره باشد، با گرفتن زمینی در جنوب و جنوب غربی خرمشهر، دشمن از سه جا مورد تهدید قرار می‌گیرد و مضطرب و نگران می‌شود و نمی‌تواند احتمال بدهد که تلاش اصلی از کدام سمت و برای چه هدفی است.» (محسن رضایی، مصاحبه، ۱۳۶۵)

در این رابطه اکثر فرماندهان نیز معتقد بودند برای داشتن اهرم فشار بر روی دشمن، حضور در منطقه شرق بصره، پتروشیمی، تنومه از اهمیت بسزایی برخوردار است و دشمن هم بخاطر وجود شهرهای خرمشهر و آبادان می‌دانست که جمهوری اسلامی ایران سعی بر دور نمودن دشمن از این مراکز حیاتی دارد. (حیدری، مصاحبه، ۱۳۸۳)

البته در کنار این دو هدف کلی می‌توان به برخی از اهداف تاکتیکی نیز اشاره نمود که بهره‌گیری از فضای ناشی از خط حد دو سپاه سوم و هفتم ارتش عراق یکی از این موارد می‌باشد به طوری که فرمانده سپاه در رابطه با این عامل این‌گونه بیان داشته است:

«خصوصیتی که این منطقه دارد، خط حد دو سپاه سوم و هفتم دشمن می‌باشد... اگر ما از خط حد دو لشکر شروع به پیشروی کنیم، لشکرها باید از سرزمین خودشان دفاع کنند، نمی‌توانند به کمک هم بیایند، حالا اگر این مسئله بین دو سپاه باشد، کار را خیلی مشکل می‌کند، یعنی اداره کرد لشکر جنوبی با لشکر شمالی یک قرارگاه می‌خواهد... اما بین دو سپاه وضع دشمن خطرناک می‌شود... سازمان دشمن به حدی از هم می‌پاشد که متزلزل می‌شود و مشکلات اولیه ما زودتر حل می‌شود.» (حسین اردستانی، ص ۲۳۳)

البته توجه به امکان پدافند پس از طی مراحل آفندی و دستیابی به اهداف موردنظر نیز از دیگر دلایل انتخاب این منطقه محسوب می‌گردد همان‌گونه که محسن رضایی در تجزیه و تحلیل جنگ به آن اشاره داشته است. (محسن رضایی، ۱۳۷۴)

اما آنچه مسلم است خواست طراحان عملیات کربلای ۴ حضور در منطقه غرب رودخانه اروند و دستیابی به جناح جنوبی بصره بوده‌است که هیچیک از این اهداف در این عملیات حاصل نمی‌گردد.

ویژگیهای عملیات کربلای ۴

عملیات کربلای ۴ از ویژگیهای خاصی برخوردار بوده‌است که با توجه به این ویژگیها می‌توان ملاحظات مؤثر در اجرای این عملیات را برای تجزیه و تحلیل فرضیات این نوشتار مورد توجه قرار داد. آفندی بودن چهره بارز این عملیات می‌باشد. که زیرنظر داشتن میدان نبرد، تمرکز توان رزمی برتر، خاموش نمودن آتش پدافندی، اجرای ضربت، غلبه و انهدام، تک به عمق منطقه دشمن و در نهایت پیش‌بینی پشتیبانی متحرک و مداوم از اصولی می‌باشند که باید در یک عملیات آفندی مدنظر قرار گیرند. (معین وزیری، ص ۱۴) اما اجرای تک در ساعات تاریکی شب را باید ویژگی دیگر این

عملیات ذکر نمود. هرچند دلایل مختلفی را می‌توان در کاربرد تک شبانه مطرح نمود اما ایجاد تعادل نسبی در توان رزمی و کسب برتری در طول تاریکی شب از مهمترین دلایل اجرای تک شبانه بوده که با توجه به عدم تناسب قدرت آتش در دوران جنگ تحمیلی، فرماندهان تمایل بیشتری به اجرای عملیات آفندی با استفاده از تاریکی منطقه داشته‌اند. اصولاً تک شبانه بدون استفاده از روشنایی و با رعایت حداکثر سکوت و تأمین جهت دستیابی به غافلگیری صورت می‌گیرد هرچند نیروی آفند کننده را مجبور به تلاش بیشتر در جهت شناسایی دقیق‌تر، طرح‌ریزی مشروح‌تر و پیچیدگی در هنگام هدایت می‌نماید. دیگر ویژگی این عملیات، عبور از رودخانه اروند می‌باشد. منظور از عملیات عبور از رودخانه عبور دادن سریع و مؤثر نیروهای تک‌ور از مانع رودخانه می‌باشد به نحوی که نیروی عبور داده شده توان رزمی کافی جهت ادامه عملیات آفندی و انهدام نیروهای دشمن و یا توان تصرف هدفهایی که از آنجا بتوان عبور سایر نیروها را حفاظت کرد، داشته باشد (عبور از رودخانه، ۱۳۶۸، ۲). در نتیجه عبور حجم وسیعی از نیروها در مراحل اولیه عملیات در پی عبور نیروهای غواص با استفاده از شناورهای کوچک به منظور رخنه در مواضع دشمن و توسعه وضعیت به عنوان بخشی از طرح عملیاتی کربلای ۴ منظور گردیده بود. سرعت در عملیات عبور از رودخانه خصوصاً زمانی که دشمن از آن به عنوان یک عارضه مناسب پدافندی استفاده می‌نماید، بسیار حائز اهمیت می‌باشد زیرا نیروهای تک‌ور در زمانی که در حال عبور از عرض رودخانه می‌باشند، در برابر آتشی دشمن بسیار آسیب‌پذیر می‌باشند خصوصاً ترکیب این عملیات با تک شبانه که امکان بهره‌گیری مناسب از آتشی سازمانی جهت خاموش کردن آتشی پدافندی را کاهش می‌دهد، از اهمیت بیشتری برخوردار می‌گردد. سرعت در عبور از عرض رودخانه نیازمند اقداماتی از قبیل شناسایی دقیق مواضع دشمن، عبور موفقیت‌آمیز نیروهای غواص، داشتن عقبه مناسب برای انتقال نیروها، بهره‌گیری از تجهیزات و وسایل عبوری و آموزش نفرات تک‌ور می‌باشد. اجرای عملیات سد و ممانعت دشمن نیز دقیقاً در راستای کاهش سرعت نیروهای تک‌ور صورت گرفته است به طوری که در منطقه عملیاتی کربلای ۴ ارتش عراق با بهره‌گیری از تجارب عملیاتی گذشته حجم وسیعی از اقدامات مهندسی را در برپایی موانع سدکننده به اجرا گذاشته بود. پنج دژ مستحکم در شمال آبگرفتگی و ضلعهای شرقی و غربی کانال پرورش ماهی به ارتفاع ۲ متر و عرض حدود ۱۰ متر همراه با مواضع نیروهای کمین، میادین مین به عمق بیش از ۱۵۰ متر و سیمهای خاردار حلقوی در شمال

منطقه عملیاتی و بهره‌گیری انواع جنگ‌افزارها و تکمیل سیستم دفاعی در ساحل رودخانه با ایجاد میدین مین و سیم‌های خاردار و کار گذاشتن موانع خورشیدی در جلوگیری از دستیابی شناورها به ساحل دور رودخانه نمونه‌هایی از استحکامات و موانعی است که ارتش عراق در ایجاد یک سیستم دفاعی غیرقابل نفوذ به‌کار گرفته بود.

با توجه به مطالب فوق می‌توان بیان داشت که رعایت اصل غافلگیری با بهره‌گیری از عملیات فریب موضوعی بسیار با اهمیت در این عملیات محسوب می‌شده است ضمن آنکه سرعت عمل نیز یک امر مهم ذاتی این‌گونه عملیاتها می‌باشد که در ادامه به بررسی این عوامل به عنوان فرضیات مقاله خواهیم پرداخت.

ضرورت رعایت اصل غافلگیری در عملیات کربلای ۴

غافلگیری، ضربه زدن به دشمن در زمان و مکانی است که انتظار آن را نداشته در نتیجه پیدایش آشفتگی در سیستم دفاعی دشمن به علت عدم آمادگی دستاورد مهم رعایت این اصل برای نیروهای آفندکننده می‌باشد. هرچند اصول مختلفی را می‌توان در اجرای یک عملیات مورد توجه قرار داد اما در میان این اصول، غافلگیری در عملیات کربلای ۴ از جایگاه خاصی برخوردار بوده است زیرا شرایط منطقه نبرد بخصوص مقتضیات عملیات عبور از رودخانه اروندر، وسعت استحکات و موانع پدافندی دشمن و آسیب‌پذیری نیروهای تک‌ور در زمان عبور از رودخانه اهمیت این اصل را بیش از پیش نموده بود به طوری که اصولاً موفقیت این عملیات در گرو تحقق این اصل قرار می‌گیرد.

محسن رضایی در رابطه با اهمیت این اصل در عملیات کربلای ۴ این‌گونه بیان می‌دارد:

«...آماده بودیم که اگر عملیات لو رفته بود، ادامه ندهیم و به محض اینکه ما

متوجه شدیم این عملیات لو رفته است، شروع کردیم به جمع کردن نیروها، به

همین دلیل عملیات کربلای ۴ اولین عملیات بزرگی است که بیشتر از ۵ الی ۶

ساعت ادامه پیدا نکرد.» (محسن رضایی، مصاحبه، ۱۳۸۳)

نگاهی به نیازمندیهای موفقیت این عملیات همانند تأمین عبور نیروهای غواص از عرض رودخانه، تصرف مواضع اولیه دشمن جهت پوشش حرکت شناورهای موج اول و انتقال موجهای دیگر نیروهای تک‌ور تحقق و دستیابی به این اصل را مشخص نمود. و این امر نشان دهنده آن است که میزان موفقیت این عملیات خصوصاً در مراحل اولیه آفند به میزان آشفتگی سیستم دفاعی دشمن ناشی از غافلگیری بستگی داشته است.

غافلگیری از طریق اعمال روشهای مختلف حاصل می‌گردد که برخی از این اقدامات عبارت‌اند از :

- حفظ اسرار عملیات و برقراری انضباط در پنهان داشتن آن؛
- اختفاء حرکات؛
- تنوع در طرحهای عملیاتی؛
- انجام تلاش اصلی در محوری برخلاف تصور دشمن؛
- حفاظت اطلاعات و عملیات؛
- حفاظت نقل و انتقالات؛
- حفاظت ارتباطات و مخابرات؛
- حفاظت اسناد، اسرار و گفتار؛
- فریب دشمن (قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص)، ص ۱۵).

آنچه با توجه به محورهای فوق در تحقق اصل غافلگیری می‌توان بیان داشت توجه به دو عامل حفاظت و فریب می‌باشد همان‌گونه که محسن رضایی در این خصوص بیان می‌دارند که :

«غافلگیری محصول دو اقدام است یکی حفاظت و دیگری فریب.»

لیکن اقدامات آماده‌سازی منطقه شامل ساختن خطوط مواصلاتی در عقبه و اتصال آن به شبکه‌های سراسری، احداث بیمارستانهای صحرائی، احداث ایستگاههای مقابله با حملات شیمیایی عراق، ساخت مواضع توپخانه، پد هلی‌کوپتر و استحکامات مربوط به مقرهای فرماندهی و تردهای ناشی از انتقال نیروها و تجهیزات که به مرور در منطقه بیشتر می‌گردید با توجه به قدرت دیده‌بانی ارتش عراق و استفاده از تجهیزات الکترونیکی به عامل فریب دشمن اهمیتی ویژه بخشیده بود. نگاهی به ترمیم و احداث جاده و خاکریز در این منطقه می‌تواند بیانگر حجم اقداماتی باشد که می‌توانست در صورت عدم اجرای عملیات فریب دشمن را نسبت به این منطقه حساس نماید :

- ترمیم خاکریز جاده اهواز - خرمشهر
- ترمیم خاکریز جاده کمربندی خرمشهر
- ترمیم خاکریز جاده خرمشهر - آبادان
- احداث جاده کمربندی ورودی اهواز - خرمشهر به جاده شلمچه
- ترمیم جاده غرب رودخانه کارون

ضرورت اجرایی عملیات فریب در تحقق اصل غافلگیری

عملیات فریب در منطقه عملیاتی کربلای ۴ ضرورتی انکارناپذیر بوده است تا بتواند همانند عملیات والفجر ۸ فرصت موردنظر در انتقال بخش موردنیاز از نیروهای تهاجمی به ساحل دور رودخانه را فراهم نماید. موفقیت آمیز بودن عملیاتهای فریب در عملیات والفجر ۸ این امکان را به وجود آورد تا ارتش عراق پس از دو روز از آغاز عملیات نتواند محل تلاش اصلی این عملیات را تشخیص دهد. (درودیان، ۱۳۶۷، ۲۰۱)

در این عملیات نیز می‌بایست با استفاده از عملیات فریب، سیستم اطلاعاتی دشمن دچار تردید می‌گردید. برای این منظور منطقه چنانچه تا جنوب غربی جزایه مورد توجه قرار گرفته و فرماندهی نیروی زمینی با تشکیل قرارگاه حنین دستورالعملی را صادر می‌نماید که در آن خواستار اقدامات فریب به قرار زیر می‌گردد:

- ایجاد بیمارستان صحرائی
- ترمیم جاده‌های منطقه
- انجام فعالیتهای شناسایی در منطقه
- احداث دکلهای دیده‌بانی
- زدن پل لوله‌ای روی رودخانه کرخه
- احداث سایت موشکی
- ایجاد پد هلی‌کوپتر
- آماده‌باش به بیمارستانهای اندیمشک، دزفول و شوش
- ایجاد اردوگاه نیروها
- استقرار تدریجی قبضه‌های توپ
- ثبت تیر
- نقل و انتقال نیروها و تجهیزات (دستورالعمل، ۱۳۶۵، ۲)

اما در عمل، اقدامات فریب در این منطقه نمی‌تواند نیازهای تحقق غافلگیری را تأمین نماید که یکی از دلایل اصلی آن کم ارزش بودن منطقه فریب نسبت به منطقه تلاش اصلی یعنی منطقه عمومی بصره بوده است. ضمن آنکه توانایی نیروهای سپاه در عبور از اروند در عملیات والفجر ۸ برای ارتش عراق محرز گردیده بود.

سرعت عمل ضرورتی دیگر در کسب موفقیت

موفقیت عملیات کربلای ۴ ارتباط تنگاتنگی با سرعت عمل نیروها در مراحل اولیه عملیات شامل:

- عبور نیروهای غواص از عرض رودخانه اروند و تصرف مواضع اولیه؛
- انتقال نیروهای موج اول به ساحل نزدیک؛
- انتقال نیروهای موج اول به ساحل دور و ایجاد رخنه در مواضع مقدم دشمن و دفع پاتکهای محلی؛
- انتقال موج بعدی نیروها و توسعه وضعیت تا دستیابی به فضای لازم دفاعی و تثبیت مواضع؛

○ انتقال بخشی از تجهیزات به آن سوی رودخانه اروند.

داشته و تحقق آن نیز وابسته به عوامل متعددی می‌توانست باشد که در این عملیات یکی از مهمترین این عوامل، وضعیت جغرافیایی منطقه و به‌طور دقیق‌تر تعداد نهرهای موجود در ساحل نزدیک جهت حرکت سریع شناورها و پراکندگی آنان محسوب می‌گردید در حالی که تعداد نهرهای منطقه عملیاتی کربلای ۴ به عنوان مسیرهای حرکت شناورها بسیار محدود بوده و در مقایسه با عملیات والفجر ۸ می‌توان ملاحظه نمود که در مقابل بیش از سی نهر موجود در منطقه عمومی فاو که از قبل بین یگانهای عملیاتی تقسیم گردید در منطقه کربلای ۴ تنها تعداد اندکی نهر وجود داشته که در نهایت عمده نیروها مجبور به استفاده از ورودی رودخانه کارون گردیده و برخی از یگانها همانند لشکر ۳۳ المهدی با ایجاد حفره در ساحل نزدیک و آبگیری آن و بستن دهانه حفره تلاش می‌نمایند با انفجار دهانه در زمان عملیات نیاز خود به عقبه مناسب در عبور از اروند را فراهم نمایند.

محمدرضا صلواتی‌زاده یکی از فرماندهان عملیاتی لشکر ۷ ولیعصر (عج) در این رابطه بیان می‌دارد:

«نداشتن عقبه مناسب برای عملیات آبخاکی در این منطقه یکی از عوامل اصلی

عدم موفقیت این عملیات بوده است.» (محمدرضا صلواتی‌زاده، مصاحبه، ۱۳۸۳)

در این خصوص می‌توان متذکر شد که لشکر ۷ ولیعصر (عج) تنها دارای یک گذرگاه آبی در جزیره مینو بوده است که می‌بایست تمامی نیروهای مانوری و پشتیبانی‌کننده خود را با استفاده از آن وارد عملیات نماید. در حالی که پس از موفقیت نیروهای

غواص سه گردان عمار، بلال و کربلا باید به عنوان موج اول با استفاده از حدود ۴۰ فروند قایق وارد عمل می‌شدند.

ایشان در ادامه بیان می‌دارد:

«ما حداقل برای هر گردان نیازمند یک نهر مجزا بودیم در حالی که تمامی ما در این نهر متمرکز شده و ازدحام زیادی ایجاد شده بود ضمن اینکه برخی از ویژگیهای طبیعی دهانه این نهر مانند ته‌نشین رسوبات در حرکت نیروها مشکلاتی را نیز ایجاد نمود.»

کسب نهرهای ساحل نزدیک ضمن ایجاد اختلال در حرکت سریع نیروهای موج اول این آسیب‌پذیری را نیز به همراه داشته که دشمن بتواند با تمرکز آتش بخصوص دهانه رودخانه کارون، ضریب آسیب‌پذیری نیروها و شناورهای عبوری را افزایش داده و در نتیجه نیروها نتوانند به راحتی و با سرعت از اروند عبور نمایند.

محمدرضا صلواتی‌زاده در این رابطه بیان می‌نماید:

«دشمن روی نهر ما آتش ثبت شده داشت و به شدت آن را زیر آتش گرفت. شب اول بیش از ۶۰ درصد قایقها در اثر آتش دشمن منهدم شدند ... در زمان عقب‌نشینی وقتی عقب آمدم تمام اسکله ما درون نهر توسط عراق بمباران شده بود و از بین رفته بود. عقبه ما یک عقبه مناسب نبود.»

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب گذشته می‌توان نتیجه گرفت که یکی از علل اصلی عدم موفقیت این عملیات عدم دستیابی به اصل غافلگیری بوده است. عدم غافلگیر شدن دشمن را بنا به نظر برخی از فرماندهان و حوادث به وقوع پیوسته در زمان عملیات شامل موارد زیر می‌توان مجسم نمود:

الف - روشن نمودن منطقه عملیاتی در زمان آغاز عملیات توسط ارتش عراق؛

ب - زیر آتش گرفتن عقبه نیروها در زمان شروع عملیات؛

ج - زیر آتش گرفتن نیروهای غواص در اواسط رودخانه اروند؛

د - نبرد شدید در ساحل دور رودخانه.

در حالی که در عملیات والفجر ۸ که اصل غافلگیری رعایت شده بود درگیری روی خاکریز اولیه دشمن با نیروهای ارتش عراق آغاز می‌شوند.